


مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۴۰۰ (ص ۵۷ - ۶۵)

دریافت: آبان ماه ۱۴۰۰ پذیرش: دی ماه ۱۴۰۰

نقش ظرفیت های مناطق آزاد و تجاری کشور در توسعه و اجرای دیپلماسی اقتصادی در جهت جذب سرمایه گذاران خارجی برای توسعه کارآفرینی

The role of the capacities of the country's free and commercial zones in the development and implementation of economic diplomacy in order to attract foreign investors for the development of entrepreneurship

محمد حاجی آقازاده رودسری / کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی دانشگاه آزاد واحد اهر. 
سمیه سربازقدیم / دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد واحد بین المللی ارس.

Mohammad HajiAghazadeh Rudsari/ Master of Entrepreneurship Management, Ahar Branch of Azad University.

mohammad_aghazadeh92@yahoo.com

Somaiyeh Sarbazghadim/ PhD student in Industrial Management, Aras International Branch, Aras International Branch.

Abstract

Special economic and free trade zones have different capacities to create advantage. These capacities can be an effective tool for industrial growth and development if they are used in the right framework and do not deviate from their main goals. Despite all the advantages and potentials of the mentioned regions, the experience of some countries, especially Iran, has not been successful. Lack of attention to the basic contexts and deviation from the main philosophy of creating special and free zones, has led to the failure to achieve the main goals. Free zones more than four decades ago based on extroverted attitudes; They were formed based on economic advantages and opportunities and with the aim of expanding exports. Establishment of free and special economic zones is considered as one of the strategies for the development of countries by taking advantage of the opportunities available in the global economic system. These areas can provide a good opportunity to attract foreign investors to develop entrepreneurship in order to promote industrial competitiveness and ultimately

چکیده

مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری از ظرفیتهای گوناگونی برای خلق مزیت برخوردارند. این ظرفیتهای اگر در چارچوب درستی به کار گرفته شوند و از اهداف اصلی خود، منحرف نگردند، میتوانند ابزاری موثر برای ترقی و رشد صنعتی باشند. با وجود تمام مزیتها و پتانسیلهای مناطق مذکور، تجربه برخی از کشورها به ویژه ایران، با موفقیت همراه نبوده است. عدم توجه به بسترهای اولیه و انحراف از فلسفه اصلی ایجاد مناطق ویژه و آزاد، موجب عدم تحقق اهداف اصلی شده است. مناطق آزاد بیش از چهار دهه پیش بر بنیاد نگرشهای برون نگر؛ مبتنی بر مزیتها و فرصتهای اقتصادی و با هدف گسترش صادرات شکل گرفتند. تأسیس مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به عنوان یکی از راهکارهای توسعه کشورها با بهره گیری از فرصتهای موجود در نظام اقتصاد جهانی به شمار میرود. این مناطق میتوانند فرصت مناسبی جهت جذب سرمایه گذاران خارجی برای توسعه کارآفرینی در راستای ارتقاء رقابت صنعتی و نهایتاً رشد اقتصادی جامعه فراهم نمایند. دولتها از طریق اینگونه مناطق به دنبال آن هستند تا ضمن حفظ چارچوبهای مقرراتی، صادرات خود را در زمینه های مختلف گسترش دهند. علاوه بر این، فراهم سازی فرصتهای شغلی و نیز اتخاذ سیاستهای نوین در عرصه های

the economic growth of society. Governments seek through these regions to expand their exports in a variety of areas while maintaining regulatory frameworks. In addition, the provision of job opportunities as well as the adoption of new policies in the fields of economy, customs and labor laws are other goals of creating such areas. Experience shows that while different regions of the world have been influential in economic growth and development goals, the effects of this success have not been equal in different parts of the world.

Keyword: Capacities of free and commercial zones of the country - Economic diplomacy - Foreign investors - Entrepreneurship.

اقتصادی، گمرکی و قوانین کار از دیگر اهداف ایجاد چنین مناطقی به شمار می‌رود. تجربه نشان می‌دهد در حالی که مناطق گوناگون جهان در جریان رشد اقتصادی و اهداف توسعه تاثیرگذار بوده اند، اثرات این موفقیت در نقاط مختلف جهان به یک اندازه نبوده است.

کلیدواژه ها: ظرفیت های مناطق آزاد و تجاری کشور - دیپلماسی اقتصادی - سرمایه گذاران خارجی - کارآفرینی.

مقدمه

یکی از ابزارهای توسعه ارتباط با اقتصاد بین الملل و آزمون ورود به فضای آزادسازی اقتصادی در برخی از کشورهای در حال توسعه ایجاد مناطق آزاد است. فلسفه اصلی ایجاد این مناطق ارتقای سطح تولید و تشویق صنایع صادراتی از طریق اعطای مزایایی از جمله واردات مواد خام و اولیه، کالاهای واسطه ای و سرمایه ای و تأمین تجهیزات و ماشین آلات مورد نیاز به صورت معاف از حقوق و عوارض گمرکی است. منطقه آزاد تجاری، محدوده معینی از قلمرو یک کشور است که خارج از محدوده قانونی، اداری و فیزیکی تأسیسات گمرکی و معمولاً در محدوده یک بندر قرار دارد و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان مجاز شناخته میشود. این مناطق جهت گیری صادراتی دارند و ورود و خروج کالا و سرمایه و جابجایی نیروی کار متخصص در آنها به سهولت صورت میگیرد (کریمی کیا و مقدم، ۱۳۹۱).

در بررسی تاریخچه ایجاد مناطق آزاد در جهان، در ابتدا به بنادر آزادی اشاره میشود که با اهداف گوناگون از جمله افزایش صادرات، انتقال فناوریهای نوین، جذب سرمایه گذاران خارجی و ایجاد اشتغال در قرون گذشته پایه گذاری شدند. در این ارتباط نخستین بنادر آزاد شناخته شده جهان، مناطق محصور با دیوارهای دفاعی بودند که در بنادر "چالیس" و "پیرائوس" یونان بنا شده بودند. نخستین بندر آزاد جهان که مشخصاً با هدف افزایش حجم دادوستد پایه گذاری شد، بندر آزاد رومی ها در جزیره دالاس در دریای اژه بود که تمامی دادوستدها در آن بدون دریافت حقوق گمرکی انجام میشد و پس از آن، بنادر آزاد مشابهی در جنوا، ونیز و جبل الطارق ایجاد شدند. با وجود این بندر آزاد هامبورگ را که در سال ۱۸۸۸ تأسیس شده است میتوان اولین بندر آزادی دانست که هدف تأسیس آن تا حدود زیادی به اهداف مناطق آزاد با مفهوم امروزی تطابق دارد. موفقیت چشمگیر این بندر، منجر به ایجاد مناطق آزاد دیگر به ویژه در اروپا شد. اهداف اصلی این بندر که تا قبل از جنگ جهانی دوم ایجاد شدند، در انبارداری، انتقال کالا از یک وسیله نقلیه به یک وسیله نقلیه دیگر، صدور مجدد کالا و در مجموع در "تجارت" خلاصه میشد (موسایی و عزیزبانی فر، ۱۳۸۷). نخستین جرقه های تأسیس مناطق آزاد در ایران در سالهای اولیه دهه ۱۳۳۰ شکل گرفت. در آن سالها مشکلاتی نظیر فقدان تسهیلات بندری و تأسیسات مورد نیاز برای نگهداری کالاهای وارده به کشور، ایجاد چنین مناطقی در بنادر بازرگانی بزرگ جنوب کشور خرمشهر، بوشهر و بندر عباس را به امری ضروری مبدل کرده بود. نهایتاً نتایج مطالعات اولیه صورت گرفته در این زمینه، تنها منجر به راه اندازی یک انبار نگهداری کالا در خرمشهر شد. در دهه ۱۳۴۰ مجدداً موضوع ایجاد مناطق آزاد مورد توجه قرار گرفت و بالاخره در این سالها، زمینه تأسیس اولین مرکز جهانگردی در جزایر کیش و مینو فراهم آمد. پس از انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۵۸ براساس ماده واحده مصوب شورای انقلاب، منطقه کیش از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی، حق انحصار و ثبت سفارش در مورد کالاهای وارداتی، معاف شد (محمدی راد، ۱۳۸۷). در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور سیاست توسعه صادرات مورد توجه قرار گرفت و در این میان، ایجاد مناطق آزاد به عنوان یکی از ابزارهای مهم افزایش صادرات غیر نفتی در تبصره "۱۹" قانون برنامه اول توسعه و ایجاد مناطق ویژه اقتصادی جهت پردازش و صادرات در تبصره "۲۰" قانون برنامه اول توسعه مورد توجه قرار گرفت. اما یکی از مهمترین نواقص این تبصره، عدم تبیین مطلوب نحوه ایجاد و اداره مناطق آزاد تا سال ۱۳۷۲ بود. بنابراین مناطق آزاد کیش،

قشم و چابهار فعالیت اولیه خود را بدون برخورداری از هیچ قانون مشخصی، به ترتیب در سالهای ۱۳۶۹، ۱۳۶۸ و ۱۳۷۰ آغاز کردند (ابراهیم زاده و آقاسی زاده، ۱۳۹۰). نقش مناطق آزاد تجاری در توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه بر کسی پوشیده نیست به واقع این نهادهای حقوقی و اقتصادی با ایجاد تسهیلاتی که از طریق حکومت قوانین و مقرراتی انعطاف پذیرتر از قواعد حاکم بر سرزمین اصلی، محقق می شوند، در صدد ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاران داخلی یا خارجی جهت سرمایه گذاری در منطقه و حوزه ای که دولت مرکزی خواهان آن است می باشند.

دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران مستلزم طیف متنوعی از الزامات است. این کشورها از یکسو با محدودیتهای درون ساختاری و چالشهای نهادی و کارگزاری مواجهند و ازسوی دیگر بعضاً از ظرفیتهای بالایی در راستای مجال بخشی به دیپلماسی اقتصادی نیز برخوردارند. ازسوی دیگر کشوری با مختصات ایران با توجه به رویکرد انتقادی نسبت به چارچوب ساختاری نظام بین الملل در وضعیت مبتنی بر رویارویی و مواجهه جویی با ساختار قدرت ناعادلانه بین المللی قرار دارد و این درحالی است که گردانندگان اصلی نظام اقتصاد جهانی نیز اعضای همین ساختار معیوب میباشند. با توجه به ویژگیهای ناظر بر این دو سطح است که ضروری است تصمیم گیرندگان کشور ارزیابی دقیق و همه جانبه نگری از وضعیت کشور داشته باشند و سناریوهای متعددی را پیش رو ترسیم کنند. توجه به انواع احتمالات از خوشبینانه گرفته تا بدبینانه در دستور کار تحلیلی و عملی قرار گیرد. از آنجا که غرب نشان داده طرف چندان قابل اعتمادی نبوده و در برابر ایران سابقه بدعهدی و عهدشکنی دارد، وضعیت آینده میباید به گونه ای ترسیم شود که هیچگاه کشور در شرایط غافلگیری قرار نگیرد. به بیان دیگر، حال که موضوع لغو تحریمها مطرح است و به نظر میرسد برنامه ریزی نیز براساس این فرض صورت میگیرد، در عین حال باید توجه داشت که در صورت نقض توافق از طرف غرب، کشور سیاست خارجی و به ویژه دیپلماسی اقتصادی خود را به گونه ای طراحی و صورتبندی کرده باشد که کمترین آسیب را از تغییر روندها و پویای های خارجی متحمل شود. بر همین اساس، هرگونه الزامی در حوزه دیپلماسی اقتصادی لاجرم در طیفی از بازه های زمانی از بلندمدت تا میان مدت و تا کوتاه مدت جای میگیرد. از آنجا که راهکارهای مترتب بر الزامات بلندمدت جنبه ساختاری داشته و دستاوردهای آن زمانمند و زمینه مند میباشد و مدیریت شرایط موجود را نمیتوان معطل زمان کرد، بنابراین، راهکارهای ناظر بر الزامات میان مدت و کوتاه مدت از فوریت بیشتری برخوردارند، چرا که عواید آن در بازه زمانی کوتاهتر قابل حصول میباشد. بدین ترتیب و بر پایه محدودیتهای، چالشها و ظرفیتهای کشور در حوزه های مختلف، الزامات ناظر بر دیپلماسی اقتصادی ایران را میتوان در سه دسته از راهکارها به شرح زیر طبقه بندی کرد:

راهکارهای سیاستی

- اتخاذ سیاستهای اقتصادی منطقه محور براساس نیازسنجی،
- شناسایی مناطق استراتژیک و مناطق دارای چشم انداز اثرگذار در آینده نظام جهانی جهت حضور همه جانبه در آن مناطق،
- سمت دهی سیاست خارجی ایران به سوی کشورها و مناطق دارای اقتصاد تکمیل گر و گسترش تعاملات و مبادلات با آنها،
- تلاش جهت گسترش حضور و فعالیت نهادینه در سازمانهای منطقه ای و بین المللی دارای کارکرد اقتصادی،
- تلفیق سیاستهای اقتصادی درونگرا و برونگرا،
- جلب سرمایه های خارجی با ایجاد فضای مناسب و تمهیدات سیاسی و اقتصادی،
- تدوین سیاستهای متکی بر مزیت نسبی کشور با هدف رهایی از اتکای صرف دیپلماسی اقتصادی به منابع طبیعی،
- تعیین حوزه های مزیت نسبی ایران در حوزه های اقتصادی مختلف و محوریت بخشیدن به آن حوزه ها در مبادلات اقتصادی خارجی،
- فرهنگ سازی در راستای تقویت جایگاه و عملکرد بخش خصوصی،
- رقابتی سازی تدریجی تولیدات داخلی براساس یک برنامه کاری و زمانی مشخص تجویزی به تولید کنندگان.

راهکارهای نهادی

- تشکیل ارکان دارای کار ویژه اقتصادی در دستگاههای دخیل در دیپلماسی اقتصادی به ویژه در وزارت امور خارجه، وزارت صنعت و معدن، وزارت بازرگانی و ادارات تابعه،
- تدوین و توسعه قوانین مدون در نهادهای ذیربط به منظور رفع کاستی های موجود و انطباق با نیازهای جدید کشور،
- بازننگری و اصلاح قوانین سرمایه گذاری خارجی با هدف زمینه سازی برای جذب سرمایه گذاران و شرکتهای خارجی،
- بازننگری و اصلاح قوانین تجارت بین الملل بر مبنای اقتصاد باز و با هدف افزایش صادرات و برقراری و حفظ موازنه تجاری کشور، تقویت و یا ایجاد پیوندهای نهادی و ساختاری مؤثر میان کارگزاران دولتی و فعالان بخش خصوصی،
- اتخاذ تدابیری جهت مشارکت فعالان بخش خصوصی در تصمیم گیریهای اقتصادی.

راهکارهای کارگزاری

- تربیت دیپلماتها و سفرای اقتصادی در زمینه های علمی و کاربردی،
- تدوین یا توسعه نظامنامه شرح وظایف سفرا و دیپلماتهای سیاسی با هدف شناخت محیط اقتصادی کشور میزبان و بسترسازی برای فعالیت اقتصادی بخش خصوصی کشور،
- تدوین نظامنامه و شرح وظایف دیپلماتهای اقتصادی،
- تدوین رشته دانشگاهی بینارشته ای (تلفیق اقتصاد و روابط بینالملل با محوریت دیپلماسی اقتصادی)،
- جلب و جذب نخبگان اقتصادی و بهره گیری از دانش و تجربه اقتصادی آنها،
- برنامه ریزی منسجم جهت همراه ساختن هیئت های اقتصادی در سفرهای سیاسی مقامات و شخصیتهای سیاسی.

جذب سرمایه

سرمایه گذاری بخش خصوصی در مناطق آزاد، یکی از مهم ترین اهداف کشورهای صاحب منطقه از ایجاد مناطق آزاد میباشد، به نحوی که برخی از نویسندگان اصطلاح "منطقه توسعه سرمایه گذاری" را مترادف با منطقه آزاد به کار می برند. اهمیت هدف مذکور به حدی است که برخی معتقدند، کشورها باید هدف انتقال تکنولوژی و برخی اهداف بلند پروازانه دیگر را به کناری نهاده و هدف جذب سرمایه خارجی را که واقع بینانه و در ضمن خود باعث تحقق برخی از اهداف دیگر از قبیل اشتغال و صادرات می باشد، در مرکز توجه قرار دهند، هر چند جذب سرمایه گذاران غیر تبعه کشور صاحب منطقه نیز اهمیت فراوانی دارد، اما در خصوص برخی کشورها، هدف اصلی جذب سرمایه گذاران تبعه کشور صاحب منطقه که در کشورهای دیگر، مقیم هستند، به منظور سرمایه گذاری در منطقه آزاد، می باشد، مثلاً ۵۰ درصد سرمایه گذاری در مناطق آزاد چین بوسیله چینی های مقیم خارج بعمل آمده است. مطلب قابل توجه این است که کشورها از طرفی به دلیل مختلف در خصوص سرمایه گذاری ۱۰۰ درصد خارجی بدین هستند و از طرفی هم مایل نیستند که صنایع مناطق آزاد با مالکیت ۱۰۰ درصد داخلی باشد، لذا در موضوع حداکثر یا حداقل سهم مجاز خارجی در بنگاه های منطقه، وحدت رویه ای ندارند، برخی از کشورها به دلایل روشنی، حداکثر در خصوص سهام اتباع خارجی قائل هستند (مثلاً ۴۹ درصد) و برخی کشورها نه تنها، امکان فعالیت بنگاهها با ۱۰۰ درصد سرمایه خارجی را مجاز می دانند، بلکه برعکس در خصوص سهام اتباع داخلی در شرکت های منطقه، محدودیت قائل می شوند، مثلاً بر طبق قوانین پاکستان علاوه بر اینکه شرکت های با ۱۰۰ درصد سرمایه خارجی مجاز به فعالیت می باشند، در سرمایه گذاری مشترک اتباع پاکستانی مقیم پاکستان حداکثر تا ۴۰ درصد مجاز به داشتن سهم هستند.

امتیازات و حمایت های حقوقی در زمینه جذب سرمایه گذاری های خارجی

در منطقه آزاد کشورها به منظور دستیابی به هدف جذب سرمایه های خارجی اقدامات متعددی در این زمینه انجام می دهند، این اقدامات نسبت به شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور ایجاد کننده منطقه آزاد، بعضاً متفاوت است اما اعمال تسهیلات و مؤلفه های حقوقی یکی از مهمترین اقدامات کشورها می باشد که به طور مختصر ذیل شرح داده می شود.

انگیزه ها و معافیت های موجود در مناطق آزاد

در مناطق آزاد، خصوصا کشورهای در حال توسعه، معافیت ها و انگیزه های خاصی در ارتباط با سرمایه گذاران خارجی اعمال می شود که عبارتند از:

بند اول: اصل مجاز بودن سرمایه گذاری خارجی

بدیهی است که مجاز دانستن سرمایه گذاری برای خارجیان در کشورها و مناطق آزاد آنها ضروری ترین شرط سرمایه گذاری می باشد. لزوم امکان سرمایه گذاری امری بدیهی است. اما مجاز بودن سرمایه گذاری خارجی در برخی از کشورها موجب تردیدهایی گردیده است و بعضی از نیروهای فشار در کشورهای متمایل به اقتصاد دولتی با آن از در مخالفت در آمده اند. موضوع در خصوص ایران نیز همواره با تردیدهایی مواجه بوده است و منشا این تردیدها وجود اصل ۸۱ قانون اساسی که مقرر می دارد "دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و موسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقا ممنوع است". اشکالات اجرائی پدید آمده از اصل هشتماد و یک قانون اساسی، به خاطر عدم ثبت شعب شرکت های خارجی در ثبت شرکت ها، دولت را در سال ۱۳۶۰ بر آن داشت که سوالی را بدین شرح در نزد شورای نگهبان مطرح نماید "آیا شرکت های خارجی طرف قرارداد با دستگاه های دولتی ایران که در کشور خود به ثبت رسیده و فعالیت دارند می توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت های خود در حدود قرار دادها منعقد نموده اند؟" در پاسخ به نامه مذکور، نظر شورا بدین شرح اعلام گردید "شرکت های خارجی که با دستگاه های دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد نموده اند می توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت های خود در حدود قراردادهای منعقد، طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکت ها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرت ندارد". بدین ترتیب، ملاحظه می شود که شورای نگهبان قراردادهای شرکت های خارجی با دولت را قانونی قلم داد نموده و آن ها را مغایر با اصل هشتماد و یکم ندانسته است. فلذا، چنین استنباط می شود که شورای نگهبان قراردادهای منعقد را، چون عنوان "امتیاز" نداشته، قانونی و معتبر دانسته است (هاشمی، ۱۳۷۹). اما در خصوص مناطق آزاد بحث فوق با توجه به ماده ۵ مقررات سرمایه گذاری در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران، به نظر می رسد بحثی پایان یافته تلقی شود. این ماده اشعار می دارد:

"سرمایه گذاران خارجی می توانند در فعالیت های اقتصادی منطقه به هر نسبتی مشارکت نمایند" و ماده ۲ مقررات فوق الذکر مقرر می دارد "کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی و موسسات اعم از ایرانی و خارجی و سازمان های بین المللی طبق این مقررات می توانند مستقل و یا با مشارکت سازمان و شرکت های تابع آن یا با مشارکت یکدیگر در مناطق آزاد سرمایه گذاری نمایند و سرمایه پذیرفته شده آنان مشمول این مقررات می شوند". دو ماده فوق در راستای تفسیر نظر شورای نگهبان بوده و با هدف تاسیس مناطق آزاد همخوانی دارد و مشارکت بین سرمایه گذاران خارجی و داخلی مورد تاکید این مقررات گرفته است.

"در حال حاضر ۹٪ ارزش افزوده برای مالیات لحاظ کردند که با قوانین منطقه آزاد در تضاد می باشد و اینکه سرمایه گذاران خارجی می توانند صد درصد شرکت خارجی ثبت کنند."

بند دوم: کاهش تشریفات و سهولت امور اداری

از دیگر مشوق های سرمایه گذاری خارجی در مناطق آزاد، تسریع تشریفات مربوط به آن می باشد سرمایه گذاری در سرزمین اصلی کشور ایجاد کننده منطقه آزاد به دلایل زیادی با تشریفات فراوان مواجه است سرمایه گذاری در سرزمین اصلی همیشه موقوف به گذشتن از موانع بسیار متنوع و مختلفی است که در پیچ و خم ادارات و وزارتخانه های متعددی وجود دارد از طرفی قوانین راجع به سرمایه گذاری، بسیار پیچیده و متورم می باشد به علاوه مقاومت و بازدارندگی نیروهای فشار و نهادهای صاحب نفوذ در طبقه دیوان سالار کشور را نباید از نظر دور داشت.

همه عوامل فوق الذکر باعث می شود که سرمایه گذاران تمایل چندانی به سرمایه گذاری در چنین کشورهایی نداشته باشند. کشورهایی که اقدام به ایجاد مناطق آزاد می کنند، برای تشویق سرمایه گذاران خارجی تشریفات سرمایه گذاری در مناطق آزاد را به حداقل رسانیده اند معمولا در این کشورها زمانی که قانون برای بوجود آوردن مناطق آزاد از سوی قوه مقننه تصویب می شود قانون مکمل دیگری نیز همراه با آن به تصویب می رسد که بر طبق آن سازمان مستقلی بوجود می آید که اداره مناطق آزاد را بر عهده می گیرد

و بدین ترتیب ارتباط سرمایه گذاران با سرزمین اصلی و تشکیلات اداری مستقر در مرکز به حداقل ممکن کاهش می یابد. زیرا کلیه اختیارات و وظایف وزارت خانه ها به این سازمان تفویض می شود. و همه این وظایف را سازمان منطقه آزاد انجام می دهد.

بند سوم: معافیت های گمرکی و مالیاتی

در مناطق آزاد بر حسب نوع آن، ورود و خروج کالا و نیز وارد کردن مواد خام و صادر کردن فرآورده های تولید شده از پرداخت عوارض گمرکی و نیز مالیات، معاف هستند البته بسته به اینکه کشور دارنده مناطق چه مقدار طالب جذب سرمایه گذاری خارجی باشد ارائه این تسهیلات از کشوری به کشور دیگر متفاوت می باشد. برای مثال مواد خام لازم برای تولید اقلام صادراتی را می توان بدون پرداخت عوارض گمرکی قطع نظر از محدودیتهای کلی موجود در اقتصاد داخلی، وارد منطقه پردازش صادرات کرد و فرآورده های تولید شده را نیز میتوان بدون پرداخت مالیات صادرات، عوارض فروش و غیره صادر نمود حتی شرکت های فعال در منطقه پردازش صادرات غالباً در خرید مواد خام و کالاهای واسطه ای از عرضه کنندگان بومی، از تسهیلات یارانه ای برخوردار می شوند و این تلاشی است برای تشویق پیوند های این شرکت ها با اقتصاد کشور میزبان از طرف دیگر شرکت های فعال در منطقه پردازش صادرات غالباً برای سه تا ده سال از قید مقررات پرداخت مالیات عادی بر درآمد معاف هستند این شرکت ها اغلب موفق می شدند با مذاکره و تهدید به عزیمت به یک کشور دیگر این دوره معافیت مالیاتی را افزایش دهند در یک جمع بندی می توان اظهار داشت که سرمایه گذاران خارجی در مناطق آزاد از طیف وسیعی از امتیازات و مشوق هایی که در اقتصاد داخلی قابل دسترسی نیست برخوردارند.

۱- تضمینات:

یکی از مهمترین مباحث و شاید مهمترین بحث سرمایه گذاری خارجی، موضوع تضمینات اعطایی به سرمایه گذاران خارجی است سرمایه گذار قبل از اقدام به سرمایه گذاری باید مطمئن باشد که سرمایه او همچنین منافع وی در امنیت کامل قرار دارد و نیز باید مطمئن شود که ابزارهای حقوقی و اداری به منظور حفاظت از سرمایه در طی تحولات مختلف سیاسی و اجتماعی به نحو مطلوبی قابل دستیابی می باشد. کشورهای متمایل به سرمایه گذاری خارجی با توجه به مقتضیات حقوقی و اجتماعی کشور خود روش های مختلفی برای حمایت و در نتیجه جذب سرمایه های خارجی به مناطق آزاد در پیش گرفته اند.

بند اول: تضمین عدم ملی کردن یا جبران خسارت عادلانه

یکی از تهدیدهای که متوجه سرمایه خارجی است و موجب عدم اشتیاق سرمایه گذاری خارجی می گردد خطر سلب مالکیت و ملی کردن دارائی خارجی می باشد برخی از قوانین به منظور تشویق سرمایه گذاری خارجی، اصولاً حق ملی کردن سرمایه خارجی را از خود سلب نموده اند. برخی از کشورها، هر چند اصل امکان ملی کردن دارائی خارجی را در راستای منافع عمومی محفوظ داشته اند اما پرداخت غرامت مربوط را تضمین کرده اند. در ایران در خصوص موضوع روش مشابهی اتخاذ شده است. چنانکه می دانیم در اصل ۴۳ قانون اساسی نظام اقتصادی کشور به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم شده است و بخش خصوصی فقط تا جایی مورد حمایت قانونگذار اعلام شده است. که معارض با منافع عمومی نباشد بنابراین در ایران نمی توان روش عدم ملی کردن مطلق را اتخاذ نمود، در واقع حق ملی کردن دارائی حق اساساً دولت است و حتی بوسیله قانون عادی نیز نمی توان از آن عدول کرد. بنابراین تنها روشی که باقی می ماند، امکان پرداخت خسارت به صاحب سرمایه می باشد این امار درباره مقررات سرمایه گذاری مناطق آزاد مورد پیش بینی قرار گرفته است بعضی از کشورها، خصوصاً کشورهای آسیایی، تا جایی پیش می روند که سود عادلانه سرمایه گذاری های خارجی را علاوه بر اصل سرمایه تضمین می نمایند این امر باعث می گردد که بسیاری از سرمایه گذارین بدون ترس از حوادثی که ممکن است به زیان و موجب از دست رفتن سرمایه آنها در مناطق آزاد منجر گردد، امکانات و سرمایه های خود را به منطقه آورند. لیکن عده ای را عقیده بر این است که وقتی بر حسب مزیت های نسبی هزینه های سرمایه گذاری برای این نوع واحدها را پایین می آوریم و انواع معافیت های مالیاتی و گمرکی را برای آنها فراهم می کنیم، مشکل ملی کردن یا سلب مالکیت را هم با تضمین دولت برای سرمایه گذار برطرف می کنیم دیگر لزومی به تضمین سود سرمایه گذارینها نیست.

بند دوم: تضمین انتقال سرمایه و سود

هدف سرمایه گذار خارجی از سرمایه گذاری در مناطق آزاد، ماندن و بقاء ابدی سرمایه در منطقه آزاد نیست، بدیهی است که سرمایه گذار در صورتی مایل به فعالیت خواهد بود که در صورت لزوم بتواند سرمایه خود را از مناطق آزاد خارج کند و به هر محل که مایل است منتقل نماید این مساله در مورد سود حاصل از سرمایه گذاری نیاز صادق است زیرا زمانی که سرمایه گذار نتواند از سود حاصل

از فعالیت خود به طور دلخواه استفاده نماید مسلماً هیچگاه اقدام به ریسک انجام سرمایه گذاری نخواهد کرد. امکان خروج سرمایه به اضافه سودهای متعلق به آن از مشوق های مهم سرمایه گذاری در منطقه آزاد می باشد چرا که عدم امکان خروج سرمایه از مناطق آزاد به معنای محدودیت اختیار سرمایه گذار بوده و مانعی در جذب سرمایه خارجی می باشد.

حل و فصل اختلافات:

یکی از بحث انگیزترین موضوعات در مناطق آزاد و اصولاً سرمایه گذاری خارجی موضوع چگونگی حال و فصل اختلافات حاصل بین سرمایه گذاران با یکدیگر و نیاز اختلافات آنان با سازمان ها و نهادهای دولتی و باه خصوص نهاد اداره کننده مناطق آزاد می باشد. روشن است که سرمایه گذار خارجی به طور معمول به نهادهای قضایی کشور محل سرمایه گذاری نمی تواند اعتماد کامل داشته باشد و قوانین مورد اجرا در کشور محل سرمایه گذاری را ممکن است منافع خود بدانند، سرمایه گذاران خارجی در این مورد قبل از هر گونه سرمایه گذاری در کشور محل سرمایه گذاری، موضوع فوق الذکر را با مدیران و مقامات کشور محل سرمایه گذاری مطرح نموده در خصوص آن به چانه زنی می پردازند از طرفی می دانیم که اعمال حاکمیت قانون و صلاحیت های قضایی کشور محل سرمایه گذاری از اصول مربوط به حاکمیت یک کشور بر سرزمین آن می باشد و بدین سان عدول از اجرای این حاکمیت در موارد استثنایی ممکن است پذیرفته شود اما کشورهای متقاضی سرمایه گذاری خارجی بسته به درجه شدت نیازشان به سرمایه خارجی، در این مورد مهم، قائل به امتیاز می شوند و از طرفی ضمن توافق با سرمایه گذار به قوانینی غیر از قوانین کشور خود جهت حکومت برقرار داد رضایت می دهند و از طرف دیگر صلاحیت قضایی رسیدگی و اجرای قوانین مورد توافق را نیز از دادگاههای کشور سلب و معمولاً به دآوری مورد توافق واگذار می نماید

نتیجه گیری

مهمترین اولویتها و اهداف دیپلماسی اقتصادی به ویژه برای کشورهای در حال توسعه را میتوان تسهیل فضای کسب و کار، جذب سرمایه گذاری خارجی، توسعه گردشگری بهبود تصویر کشور و دستیابی به تکنولوژی و علم دانست و همچنین مناطق آزاد و تجاری کشور ظرفیت جذب سرمایه گذاران خارجی را دارا هستند .

نقش مناطق آزاد تجاری در توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه بر کسی پوشیده نیست به واقع این نهادهای حقوقی و اقتصادی با ایجاد تسهیلاتی که از طریق حکومت قوانین و مقرراتی انعطاف پذیرتر از قواعد حاکم بر سرزمین اصلی، محقق می شوند، در صد ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاران داخلی یا خارجی جهت سرمایه گذاری در منطقه و حوزه ای که دولت مرکزی خواهان آن است می باشند. سرمایه گذاری بخش خصوصی در مناطق آزاد، یکی از مهم ترین اهداف کشورهای صاحب منطقه از ایجاد مناطق آزاد می باشد، به نحوی که برخی از نویسندگان اصطلاح "منطقه توسعه سرمایه گذاری" را مترادف با منطقه آزاد به کار می برند. برای توفیق جذب سرمایه خارجی، کشورهای مختلف تمهیدات حقوقی چندی مقرر داشته اند از جمله مناطق آزاد، خصوصاً کشورهای در حال توسعه، معافیت ها و انگیزه های خاصی همچون، مجاز دانستن سرمایه گذاری برای خارجیان در حدود قراردادهای منعقد، کاهش تشریفات و سهولت و تسریع امور اداری، معافیت های گمرکی و مالیاتی، تضمینات و امنیت سرمایه، تضمین عدم ملی کردن یا جبران خسارت عادلانه، انتقال سود و سرمایه و حل و فصل اختلافات می باشد. شاید چون مشخصه ها و ابعاد مناطق آزاد تجاری در ایران هنوز برای بسیاری از افراد تبیین شده نیست. به همین دلیل قضاوت های متفاوتی از این زمینه ی گسترش فعالیت های اقتصادی و صنعتی میشود. فلسفه اصلی ایجاد مناطق آزاد، سیاست ساختار اقتصادی و صادراتی است. به طور کلی حمایت دولت است که باعث گسترش مناطق آزاد-تولیدات صنعتی و صادراتی و ایجاد تکنولوژی-صدور نیروی کار و هماهنگی با اقتصاد منطقه ای و جهانی میشود.

از مهمترین اهداف ایجاد مناطق آزاد جهان توسعه صادرات است و در کنار این هدف، اهداف دیگری نظیر ایجاد اشتغال، جذب تکنولوژی، جذب سرمایه های خارجی، جذب نخبگان جوان، تربیت نیروی انسانی و آشنایی عینی و تجربی با اقتصاد جهانی را دنبال میکند.

- راهکارهای لازم جهت جذب سرمایه گذاران :
 - فراهم نمودن فضا برای جلب سرمایه گذار، ایجاد محیط مناسب برای مشارکت و همکاری و تولید محتوا از سوی شرکت های فناور و استارت آپ های داخلی و خارجی.
 - فراهم نمودن زمینه برای جذب جوانان نخبه و فعال بجای مدیران و کارشناسان سن بالا و ناکارآمد
 - انتخاب مدیران عامل و اعضای هیات مدیره مناطق آزاد و ویژه باید در راستای ویژگی ها و توانایی آنها برای جذب سرمایه گذاری و رشد صادرات صورت گیرد.
 - قوانین و مقررات در حوزه عملکرد مناطق آزاد و ویژه ساده شود و بر اساس اهداف توسعه ای بالا دستی و جذب سرمایه گذاری به صورت یک بسته قابل دسترس مورد توجه قرار گیرد.
 - فعال شدن حوزه های اقتصادی ۲ وزارت خانه امور خارجه و صنعت و معدن و تجارت همسو با هدف جذب سرمایه گذاری و توسعه صادرات در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی .
 - برگزاری همایش های معرفی بازار
 - آموزش تجار و بازرگانان
 - ایجاد توانمندی های بالای اراده خدمات گردشگری سلامت
 - رفع موانع موجود در اجرای موافقت نامه اوراسیا
 - افزایش سرمایه صندوق ضمانت صادرات

منابع

۱. اسفندیاری، علی اصغر، مقدس حسین زاده، سمیره و دلآوری، مجید (۱۳۹۰) "ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری ایران و تأثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق"، پژوهشنامه اقتصادی، ش ۲۸.
۲. دانش نیا، فرهاد (۱۳۹۱) دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی توسعه گرا؛ ابزارهای موفقیت راهبرد توسعه ای جمهوری اسلامی ایران در اقتصاد جهانی، مطالعات راهبردی جهانی شدن، دوره ۳، ش ۲.
۳. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و صالحی مختار (۱۳۹۱) دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، زمینه ها و چالشها، فصلنامه پژوهشهای اقتصاد ایران، سال هفدهم، ش ۵۲.
۴. فضلی، عزیزاله (۱۳۹۷) "مبانی، ساختار، صلاحیت و پاسخ گویی نهادهای مقررات گذار در مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران" دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۵. قریشی، روح اله (۱۳۹۸) "بررسی عوامل تاثیر گذار بر عملکرد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ایران" موسسه آموزش عالی کار.
۶. کریمی کیا، اسما و مقدم، محمد (۱۳۹۱) "بررسی عوامل جذب سرمایه گذاری در منطقه آزاد اروند"، مجله اقتصادی، سال دوازدهم، ش ۶ و ۷.
۷. محسن زادگان، امیر. تاثیر دیپلماسی بر قدرت ملی ایران در عرصه جهانی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، ۱۳۲۴، ش ۳، دوره ۲.
۸. معاونت پژوهشهای سیاسی - حقوقی مطالعات سیاسی "الزامات تقویت دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط پساتحریم" مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی).
۹. موسایی، میثم و عزیزیانفر، جمال (۱۳۸۷) "توجیه اقتصادی ایجاد منطقه آزاد تجاری در کردستان"، دو ماهنامه بررسی های بازرگانی، ش ۱۳۸۷، ۲۱۶.
۱۰. هاشمی، رضا (۱۳۹۸) "مطالعه تطبیقی موانع و شرایط سرمایه گذاری در مناطق آزاد ایران با مناطق آزاد چین و امارات" پایان نامه کارشناسی ارشد کارآفرینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند.
11. <http://www.donya-e-eqtesad.com/news>
12. <http://dolat.ir/NSite/FullStory/News>
13. <http://www.aisiran.com/node>
14. <http://www.isna.ir/fa/news>
15. <http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid>
16. <http://unctadstat.unctad.org/CountryProfile>
17. <http://www.farsnews.com/newstext.php>
18. <http://www.mop.ir>
19. <http://www.danga-e-eqtesad.com>